

ای کنیز عزیز الهی حمد کن خدا را که در استان مقدّسش...

حضرت عبدالبهاء

Original English



۱۴۲

ای کنیز عزیز الهی حمد کن خدا را که در آستان مقدّسش مقرّبی و در ملکوت عزّتش معزّز در محفلی رئیسی که انطباع محفل ملاّ اعلی است و عکس صور ملکوت ایمی بجان و دل در نهایت تبّتل و تضرّع و خشوع و خضوع در ترویج شریعت الله بکوش و در نشر نفعات الله جهد کن همّتی بنا که رئیس حقیقی محافل روحانیان گردی و انیس ملائکهء ملکوت رحمن .

سؤال از آیه دهم تا آیه هفدهم از اصحاح بیست و یکم از رؤیای یوحنا لاهوتی نموده بودید بدان که فلک خورشید درخشنده عالم امکانرا بحسب قواعد ریاضیه دوازده بروج تقسیم و تعیین نموده اند که آنرا بروج اثنا عشر مینامند بهمچنین شمس حقیقت را نیز اشراق و فیض در دوازده برج تقدیس است و مقصود از این بروج نفوس مقدّسه اند که مطالع تقدیسند و مشارق انوار توحید.

ملاحظه فرما که در زمان حضرت کلیم الله دوازده نفوس مقدّسه بودند که اینها پیشوایان اسباط بودند و همچنین در دوره حضرت روح ملاحظه نما که دوازده حواریین در ظلّ آن نیرعلیین بودند و شمس حقیقت را از آن مطالع نورانی اشراق مانند آفتاب آسمانی ظاهر و همچنین در زمان حضرت محمد ملاحظه نما که دوازده مطالع تقدیس بودند که مظاهر تأیید بودند امر بر این منوالست.



ORIGINAL



AUDIO

لذا حضرت یحیی لاهوتی در رؤیای خویش دوازده ابواب و دوازده اساس بیان فرموده. مقصد از مدینه عظیمه مقدسه اورشلیم که از آسمان نازل شده شریعت مقدسه الهیه است و این مسئله در اکثر الواح و زیر انبیای سلف مذکور و موجود مثلاً در جائی میفرماید که ملاحظه نمودم اورشلیم بصحرا می‌رود.

مقصد آنست که این اورشلیم آسمانرا دوازده ابوابست که نفوس مقبله از این ابواب داخل در آن مدینه الهیه میگردند آن ابواب نفوسی هستند که نجوم هدایتند و ابواب فیض و معرفت و در آن ابواب دوازده ملائکه قائم مراد از ملک قوه تأیید الهیست که آن شمع قوت تأیید الهیه در مشکوة آن نفوس لائح و ساطع خواهد شد یعنی هر یک از آن نفوس مؤید بتأیید شدید القوی خواهد بود.

و این ابواب دوازده محیط بر جمیع جهانست مقصد اینست که من فی الوجود در ظل آن نفوس است و همچنین این ابواب دوازده اساس مدینه الله و اورشلیم الهی هستند و بر هر یک از این اساس اسم یک رسولی از رسولان حضرت روح مرقومست یعنی مظهر کالات و بشارات و فضائل و خصائل آن نفس مقدس است.

باری بعد میفرماید آنکه با من تکلم مینمود با او قصبه بود از زریعی ذرع و اندازه که بآن مدینه و ابواب و ابراجش را ذرع میکرد مقصد اینست که نفوسی بعصاء نباتی یعنی قضیب هدایت میگردند و چوپانی مینمودند چون عصای موسوی و بعضی بعصائی از حدید تربیت و چوپانی میگردند چون دور محمدی و در این کور چون دور عظیم است عصای نباتی و عصای حدیدی بعصائی مانند ذهب ابریز که از خزائن و کنز بی پایان ملکوت الهیست تبدیل خواهد شد و بآن تربیت خواهند گشت.

فرق را ملاحظه بفرمائید که در زمانی تعالیم الهی بمثابه اغصان شجر بود و بآن نشر آثار الهی و ترویج شریعت الله و تأسیس دین الله میگشت بعد زمانی آمد که عصای آن راعی حقیقی بمنزله حدید بود و حال در این دور مکرّم بدیع آن عصا بمنزله ذهب ابریز است چه قدر تفاوت در میانست پس بدان که شریعت الله و تعالیم الهیه چه قدر در این دور ترقی نموده تا بدرجه رسیده که ممتاز از دوره‌های سابق گشته بلکه این ذهب ابریز است و آن حدید و قضیب.

این مختصر جوایبست که مرقوم شد زیرا فرصت بیش از این نبود البتّه معذور خواهید داشت. کنیزان الهی باید بمقامی بیایند که خود ادراک حقائق و معانی کنند و بر هر کلمه بیانی مفصل توانند و چشمه حکمت از حقیقت قلبشان مانند عین فواره جوشش و نبجان نماید *